

بررسی تفاوت اجرای حکم قصاص در مورد زن و مرد

دکتر حسین مهرپور

درآمد

از این قبیل منعکس است، رعایت تساوی بین زن و مرد و عدم تبعیض و تفاوت بر اساس جنس می‌باشد. به موجب این طرز تفکر نباید مقرراتی وضع و احکامی مقرر و اجرا گردد که نشان‌دهنده نوعی امتیاز و یا برتری مرد نسبت به زن باشد. تردیدی نیست که تفاوتی در ساختار طبیعی خلقت زن و مرد وجود دارد و همین تفاوت خود موجب متفاوت بودن وظایف طبیعی و تکالیف و مزایای اجتماعی می‌گردد، ولی مهم این است که در وضع احکام و تکالیف و حقوق و مسئولیتها نباید به چیزی دیگر جز تفاوت طبیعی موجود بین زن و مرد توجه کرد و هر حکمی که مبنایش پایین‌تر دانستن ارزش انسانی زن نسبت به مرد باشد باید ملغی گردد.

در قانون مجازات اسلامی ایران به تبعیت از فقه شیعه امامیه تفاوتی در اعمال مقررات کیفری بین مرد و زن وجود دارد. همچنان که در اعمال مقررات مدنی نیز برخی تفاوتها بین زن و مرد به چشم می‌خورد که در بسیاری از آن موارد حداقل در یک برداشت ظاهری چنین به نظر می‌رسد که به جنس ذکور، امتیاز و برتری داده شده است. تفکر غالب و حاکم بر جوامع امروزی که در اسناد بین‌المللی به خصوص اسناد حقوق بشری مثل منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون محو هر نوع تبعیض علیه زنان کنوانسیون حقوق کودک و اسنادی

نتیجه مشخص و روشن، بحث ظریف و مستوفایی را می‌طلبد که در مجال این نوع بحث مطرح شده در این مقاله نیست، لذا با حفظ آن اصول و کلیاتی که ذکر شد به نحو اجمال وضعیت مربوط به حکم قصاص در مورد زن و مرد را بیان می‌کنیم و فتح بابی می‌نماییم به امید آنکه از نظریات محققانه اندیشمندان سود ببریم.

۱- حکم قصاص در قانون مجازات ایران و فقه اسلامی

الف- قانون مجازات اسلامی ایران

طبق ماده ۲۰۷ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می‌شود»، ولی ماده ۲۰۹ همان قانون می‌گوید:

«هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است، لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل نصف دیه مرد را به او بپردازد.»
و طبق ماده ۲۱۳:

«در هر مورد که باید مقداری از دیه را به قاتل بدهند و قصاص کنند باید پرداخت دیه قبل از قصاص باشد.»
ماده ۲۵۸ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر می‌دارد:

«هرگاه مردی زنی را به قتل رساند ولی دم حق قصاص قاتل را با پرداخت نصف دیه دارد و در صورت رضایت قاتل می‌تواند به مقدار دیه یا کمتر یا بیشتر از آن مصالحه

ماده یک کنوانسیون محو هر نوع تبعیض علیه زنان می‌گوید:

«منظور از تبعیض علیه زنان، قائل شدن هرگونه تمایز، استثناء یا محدودیت بر اساس جنسیت است که در به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادیهای اساسی آنها، و دارا بودن حقوق و اعمال آنها بر پایه مساوات با مردان در تمام زمینه‌ها اثر منفی دارد یا هدفش از بین بردن این وضعیت است.»

برای بررسی دقیق وضعیت حکم قصاص و تفاوت آن در مورد زن و مرد و روشن شدن موقعیت آن باید همه احکام متفاوتی که در مورد زن و مرد وجود دارد بررسی شود و موارد صحیح و مسلم مشخص گردد آن گاه سه موضوع از دیدگاه اسلامی به خوبی شکافته و روشن شود:

۱- آیا در نگرش اسلامی بین زن و مرد از لحاظ ارزش انسانی تفاوت وجود دارد یا خیر؟

۲- احکام و مقررات متفاوت موضوعه به تمایز و تفاوت ارزشی زن و مرد برمی‌گردند یا صرفاً ناظر و مربوط به تفاوت طبیعی موجود بین زن و مرد هستند؟

۳- آیا این احکام و مقررات متفاوت شأنشان دائمی بودن است یا براساس اوضاع و احوال خاص زمان و مکان صادر شده و طبع آنها منافاتی با تغییر ندارد؟
پرداختن به این موضوعها و رسیدن به یک

نماید».

و طبق ماده ۲۷۳ همان قانون:

«در قصاص عضو، زن و مرد برابرند و مرد مجرم به سبب نقض عضو یا جرمی که به زن وارد نماید، به قصاص عضو مانند آن محکوم می شود، مگر اینکه دیه عضوی که ناقص شده ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد که در آن صورت زن هنگامی می تواند قصاص کند که نصف دیه آن عضو را به مرد بپردازد.»

به هر حال طبق قانون مجازات اسلامی ایران در صورتی که زنی را عمداً به قتل برساند، زن قصاص می شود بدون هیچ گونه شرط خاصی، ولی اگر مردی زنی را عمداً به قتل برساند، در صورتی قاتل قصاص می شود که اولیای دم مقتوله نصف دیه قاتل را به او بدهند و اگر نصف دیه را ندهند یا نتوانند بدهند مرد قصاص نمی شود. در مورد جرح عمدی نیز به شرحی که ذکر شد این تفاوت وجود دارد.

ب- فقه امامیه

حکم قانونی فوق الذکر از فقه امامیه گرفته شده است. فقهای امامیه به اجماع و اتفاق معتقدند در صورتی مرد به لحاظ کشتن زن قصاص می شود که قبلاً نصف دیه مرد از سوی اولیای مقتوله پرداخت شده باشد.^(۱)

ج- فقه اهل سنت

برخلاف اجماع مورد نظر فقهای شیعه، فقهای اهل سنت در مذاهب چهارگانه عموماً معتقدند مرد قاتل در برابر قتل عمد زن قصاص می شود بدون اینکه ورثه مقتوله ملزم باشند نصف دیه قاتل را رد کنند.^(۲)

در بین فقهای اهل سنت نیز برخی همانند فقهای شیعه معتقدند برای قصاص قاتل زن باید نصف دیه به قاتل داده شود از جمله آنها برخی از فقهای حنبلی هستند.^(۳)

قول دیگری نیز در مورد مسئله مربوط به قصاص زن و مرد وجود دارد و آن اینکه اگر زنی مردی را عمداً به قتل رساند، علاوه بر اینکه زن قصاص می شود و به قتل می رسد، باید به اندازه نصف دیه مرد نیز از اموال زن به ورثه مرد مقتول داده شود.^(۴)

۲- مبنای حکم در قرآن و سنت الف- قرآن

در قرآن کریم در چند مورد به مسئله قصاص به معنی کشتن قاتل در برابر مقتول و وجود این حق برای اولیای مقتول تصریح شده است. از جمله می توان به سه آیه مشخص در این خصوص اشاره نمود:

۱- آیه ۳۳ سوره اسراء که در مکه نازل شده است و حکم تفصیلی و مشخص ندارد، ولی در این آیه از یکسو به حرمت قتل نفس مگر در مواردی که به حق باشد تصریح شده و از سوی دیگر حق قصاص را برای ولی مقتول به رسمیت

دارد ولی با توجه به آیات بعدی می توان فهمید که این احکام از زمره احکامی است که مورد تصدیق و تأیید شریعت‌های بعدی یعنی شریعت مسیحیت و اسلام نیز هست.

۳- آیه ۱۷۸ سوره بقره که باز در مدینه نازل شده و با صراحت و روشنی بیشتر حکم قصاص را بیان می کند. در این آیه و آیه بعدی آن هم به تعیین حکم قصاص و فلسفه وجودی آن توجه شده و هم ترتیب تعادل قصاص بیان شده است، آیه ۱۷۸ می فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی الحرّ بالحرّ و العبد بالعبد و الانثی بالانثی فمن عفی له من اخیه شیء فاتباع بالمعروف و اداء الیه باحسان ذالک تخفیف من ربکم و رحمة فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب الیم»

و آیه ۱۷۹ چنین است:

«ولکم فی القصاص حیوه یا اولی الاباب لعلکم تتقون»

آیه اول متکفل بیان سه نکته است: تشریح حکم قصاص در مورد قتل، تعادل در اعمال حق قصاص و یا حق انتقام و در واقع اکتفا به قصاص قاتل، قطع نظر از اینکه قاتل یا مقتول چه جنسیتی دارد یا از چه موقعیت حقوقی و اجتماعی برخوردار است و سرانجام مستحسن بودن عفو و گذشت و صرف نظر کردن از قصاص. در آیه ۱۷۹ به فایده و فلسفه و حکمت تشریح حکم قصاص اشاره شده که موجب حیات و

شناخته است و در مرحله سوم از زیاده روی در قتل در مقام انتقام گیری که رویه معمول اعراب آن روز بود، منع کرده است- آیه فوق الذکر که حاوی این سه نکته مهم است بدین شرح می باشد:

«ولا تقتلو النفس التي حرّم الله الا بالحق و

من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا فلا

یسرف فی القتل...» در این آیه به صورت

عام، به هر کس مظلوم کشته شود که اعم

از زن و مرد می تواند باشد حق قصاص و

اقدام برای ولی دم او شناخته شده است.

۲- آیه ۴۵ سوره مائده که در مدینه نازل شده است. در این آیه خداوند در مقام اخبار از احکام الهی که در تورات نازل شده است مسئله قصاص نفس و اعضاء را مورد تصریح قرار داده است، خداوند می فرماید: ما در تورات بر بنی اسرائیل نوشتیم و فرض و واجب کردیم که جان در برابر جان و چشم در برابر چشم، بینی در برابر بینی، گوش در برابر گوش، دندان در برابر دندان و جراحات در برابر هم قصاص می شوند.

«وکتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس والعین

بالعین و الانف بالانف و الاذن بالاذن و

السّن بالسنّ و الجروح قصاص...» در این

آیه نیز به طور مطلق قصاص نفس در برابر

نفس و هر یک از اعضاء ذکر شده در برابر

عضو مماثل بدون قید مرد و زن بودن و

تفاوت آن بیان شده است.

هر چند لحن ظاهری آیه صورت اخباری

زندگی مردم است. عموماً این آیه، این طور معنی شده که وضع حکم قصاص و کشتن قاتل در برابر مقتول موجب عبرت دیگران است و باعث جلوگیری از هرج و مرج و خودداری بسیاری از افراد از ارتکاب قتل و در نتیجه مصونیت بیشتر جامعه و زنده ماندن افراد و مصونیت آنان از کشته شدن است.^(۵)

بعضی هم این آیه را با توجه به شأن نزول آن و وضعی که قبل از اسلام بر اعراب جاهلی حاکم بود بدین گونه معنی کرده اند که با توجه به تشریح حکم قصاص که باید فرد قاتل به خاطر ارتکاب قتل کشته شود نه فرد یا افراد دیگری به جای قاتل، این امر خود موجب حیات است و باعث می شود از قطع حیات افراد زیادی جلوگیری شود.

ابوالفتح رازی در تفسیر خود این بیان را از سدی نقل می کند و می گوید:

«... سدی گفت مراد آن است که در قصاص حیات است یعنی پیش از اسلام، به یک مرد، ده مرد را بکشتندی بگزاف، گفت من قصاص نهادم بسویّه تا به نفس بیشتر از نفس نکشند، پس این قضیه موجب آن بود که در قصاص حیات باشد.»^(۶)

تحلیل حکم قرآن در مورد قصاص زن و مرد

چنان که دیدیم آیه ۴۵ سوره مائده به طور مطلق حکم خداوند را در تورات در مورد قصاص نفس بیان کرده است. در آن آیه جان آدمی در

مقابل جان آدمی قرار گرفته و برای آن قصاص ذکر شده و تفاوتی هم بین جان انسانی از حیث جنسیت و زن بودن یا مرد بودن گذاشته نشده است، در آیه ۱۷۸ سوره بقره ابتدا اصل حکم قصاص تشریح شده و سپس به عنوان مصادیقی از اجرای قصاص که به معنای معادله و مقابله به مثل در اعمال مجازات است از عبارات: آزاد

در مقابل آزاد، برده در مقابل برده و زن در مقابل زن استفاده شده است. منطوق آیه این است که مرد آزاد در برابر قتل مرد آزاد و برده قاتل در برابر برده مقتول و زن قاتل در مقابل زن مقتول قصاص می شود، ولی در مورد قصاص مرد قاتل در برابر زن مقتول و قصاص زن قاتل در برابر مرد مقتول و نیز آزاد در برابر برده و برده در برابر آزاد، منطوق آیه دلالتی ندارد، برخی از این آیه چنین استفاده می کنند که چون تصریح شده مرد آزاد در برابر مرد آزاد و زن در برابر زن قصاص می شود پس اگر مرد زن را کشت نمی توان او را قصاص نمود، زیرا منطوق آیه دلالتی بر این امر ندارد و از سوی دیگر جان زن با جان مرد برابر نیست بلکه جان زن معادل نصف جان مرد است. بنابراین اگر بخواهیم جان کاملی را در برابر جان ناقص بگیریم باید مابه التفاوت آن را برگردانیم و لذا در صورت قصاص مرد باید نصف دیه پرداخت شود.^(۷)

اما در صورت قتل مرد به وسیله زن گفته شده با اینکه منطوق آیه دلالتی بر قصاص زن در برابر مرد ندارد این معنی اجماعی است که

می‌توان زن را به خاطر قتل مرد قصاص نمود و آیه هم هرچند تصریح ندارد ولی منعی هم از قتل زن در برابر مرد نکرده است و به علاوه وقتی قاتل را به خاطر قتل فرد نظیر و در پایه خودش بتوان قصاص کرد به طریق اولی وقتی فرد اشرف و برتر از خود را بکشد می‌توان او را قصاص نمود.^(۸) به نظر این گروه جواز قصاص زن در برابر مرد با وجود مسکوت بودن آن در قرآن به خاطر عدم منع آن و اجماع فقهاء بر جواز اولویت اوجیه اشرفیت مرد بر زن قابل توجیه است، ولی قصاص مرد در برابر زن با توجه به مسکوت بودن آن در قرآن و همسان نبودن زن با مرد نمی‌تواند به طور مطلق قابل توجیه باشد و باید در صورت توسل به قصاص، نصف دیه مرد را پرداخت تا تعادل برقرار شود. گروهی که چنین برداشتی را از این آیه قرآن دارند تفاوت ذاتی ارزشی بین زن و مرد را مسلم دانسته‌اند و متفاوت بودن حکم قصاص و نیز برخی احکام دیگر همچون نصف بودن دیه زن و وضعیت شهادت او و غیره را نیز بر همین معیار می‌سنجند.

ناگفته پیداست صحّت این نظر بسیار مستبعد است زیرا اولاً به احتمال زیاد سوره مائده بعد از سوره بقره نازل شده است، به گفته مفسرین مائده آخرین سوره مفصلی است که بر پیامبر(ص) نازل شده و ناسخ هست ولی منسوخ نیست.^(۹) به علاوه اگر بپذیریم که طبق این روایت در تورات زن و مرد از لحاظ قصاص با هم مساوی بودند بسیار بعید به نظر می‌رسد که در شریعت اسلام این حکم نسخ شود و بین زن و مرد از این حیث تفاوت گذاشته شود. چه این که به هر حال شریعت اسلام نسبت به شرایع پیشین موقعیت زن و حقوق او را ارتقاء داده است.

البته در مقابل برخی هم آیه ۴۵ سوره ی مائده را ناسخ آیه ۱۷۸ سوره بقره که مشعر به تفاوت بین زن و مرد در امر قصاص است دانسته‌اند.^(۱۰) نسخ حکم آیه ۱۵ و ۱۶ سوره نساء در خصوص تفاوت در مجازات زن و مرد زانی با آیه ۲ سوره نور که مجازات یکسان برای زانی و زانیه مقرر کرده می‌تواند مؤید این نظر باشد.^(۱۱)

در رابطه با شبهه‌ای که حکم آیه ۴۵ سوره ی مائده در بردارد و به طور مطلق نفس را در برابر نفس قرار داده است که این اطلاق همسان بودن جان آدم‌ها را از هر جنسیتی به طور مطلق بیان می‌کند. نظریه‌های مختلفی از طرف فقهاء ابراز شده است برخی گفته‌اند آیه مزبور با همین آیه ۱۷۸ سوره بقره نسخ شده است و برای این منظور حتی به حدیثی هم از حضرت

باید متذکر شد که عموماً فقها در مورد تفاوت وضع قصاص بین زن و مرد به تفاوت ارزش و اعتبار جان زن و مرد تصریح نکرده، بلکه بعضی از آنها مطلب را به گونه‌ای بیان کرده‌اند که مشعر بر تساوی اعتبار و حرمت جان زن و مرد است ولی لزوم برگرداندن نصف دیه به قاتل زن برای قصاص او به خاطر وجود روایات زیادی دانسته‌اند که در این زمینه وارد شده و بر این معنی تصریح دارند. مثلاً شیخ طوسی در کتاب مبسوط ضمن بیان اینکه از شرایط قصاص تکافو و همسان بودن اعتبار جان قاتل و مقتول است، می‌گوید: هر دو شخص که خونشان همسان و حرمتشان مساوی است قصاص بین آنها جریان دارد و تکافو در خون و تساوی در حرمت، این است که هر یک از آن با دو قذف دیگری حدّ قذف درباره‌اش جاری شود.^(۱۳) بنابراین اگر مردی مثلاً نسبت زنا به زنی بدهد او را قذف کند و شاهد نیاورد حدّ قذف بر او جاری می‌شود، با معیار فوق معلوم می‌شود، اعتبار و حرمت زن و مرد یکسان است و اتفاقاً برخی از فقهای اهل سنت با توجه به همین مطلب بر لزوم قصاص مرد در برابر زن بدون پرداخت نصف دیه استدلال کرده‌اند. ابن قدامه در کتاب المغنی می‌گوید: زن و مرد دو شخص هستند که اگر هر کدام، دیگری را قذف کند بر او حدّ جاری می‌شود بنابراین هر کدام دیگری را به قتل رساند باید قصاص شود، یعنی اینکه لازم باشد چیزی پرداخت گردد.^(۱۴)

ولی فقها شیعه به استناد روایات وارده از ائمه(ع) چنان که اشاره شد و بعداً هم از آنها بحث خواهد شد. بالاتفاق پرداخت نصف دیه را برای قصاص مرد در مقابل زن لازم می‌دانند.

مفهوم صحیح آیه ۱۷۸ سوره بقره

به نظر می‌رسد از آیه ۱۷۸ سوره بقره نمی‌توان تبعیض بین مرد و زن در امر قصاص را استنباط کرد و آیه شریفه مزبور نیز در مقام بیان این مطلب نیست. نسبت ناسخ و منسوخ و یا حتی عام و خاص هم که بعضی از فقها و مفسرین^(۱۵) گفته‌اند بین آیه مزبور و آیه ۴۵ سوره مائده وجود ندارد و هر دو آیه در یک جهت و با بیان مختلف و در موقعیت بیانی خاص خود در مقام تبیین وجود حکم قصاص در مورد قتل و متعادل بودن آن هستند و با یکدیگر تعارض ندارند. در آیه ۴۵ سوره مائده مطلب به صورت اخبار از حکم موجود در تورات بیان گردیده و در آیه ۱۷۸ سوره بقره با بیان تفصیلی‌تر بر تشریح حکم قصاص برای مسلمانان تأکید شده است.^(۱۶) تقریباً می‌توان گفت مفسرین در شأن نزول آیه ۱۷۸ سوره بقره متفق القولند که در بین اعراب جاهلی در زمان و محیط نزول قرآن، قصاص و یا به هر تعبیر بهتر انتقام‌گیری شناخته شده بود و رواج داشت ولی حد و ضابطه مشخصی برای آن موجود نبود. چگونگی حل موضوع بستگی به میزان قدرت عصبیت قبیله قاتل یا مقتول داشت، نه قبیله

قاتل حاضر بود او را تحویل دهد و به قصاص برساند و نه قبیله مقتول راضی بود که فقط قاتل را قصاص نماید. گاه در مقابل یک مقتول دهها نفر به قتل می‌رسیدند و گاهی هم موافقتنامه ای بین طرفین برقرار می‌شد قبیله ای که قدرت بیشتری داشت مقرر می‌کرد که در برابر هر برده‌ای که از او کشته می‌شود، آزادی را بکشد و در برابر زنی که به قتل می‌رسد. مردی را به قتل برساند. اسلام این طریق ناپسند را منسوخ ساخت و با نزول آیه فوق‌الذکر

خواست این حکم را تشریح نماید که در مقابل مقتول قاتل را باید قصاص کرد و نه کس دیگر را خواه آزاد باشد یا برده مرد باشد یا زن.^(۱۷) این آیه چیزی بیش از این را نمی‌رساند و هیچ تعارض و تنافی هم با بیان کلی مذکور در آیه ۴۵ سوره‌ی مانده ندارد. از آیات قرآنی هم نمی‌توان پست تر بودن و کم ارزش تر بودن جنس زن را نسبت به مرد استنباط کرد و آن را به عنوان یک اصل مسلم تلقی کرد و آیه را با این تلقی معنی نمود.

ب- مبنای روایی

چهار دسته روایت در این زمینه وجود دارد که به آنها اشاره می‌نمایم:

۱- اکثریت قریب به اتفاق فقهای اهل سنت که قصاص مرد را به خاطر قتل زن بدون هیچ شرطی جایز می‌دانند علاوه بر استناد به ظاهر آیات قرآن که به آنها اشاره شد واصل یکسان

بودن نفوس آدمی از زن و مرد به برخی احادیث و رویه‌ها نیز استناد می‌کنند. از جمله نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «ان الرجل یقتل بالمرأة»^(۱۸) (مرد در برابر زن قصاص می‌شد) و نیز نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) مرد یهودی را که دختری را به قتل رسانده بود قصاص کرد.^(۱۹) حدیثی نیز از همین طریق از حضرت علی (ع) نقل شده که فرموده است: «اگر مردی زنی را به قتل برساند قصاص می‌شود.»^(۲۰)

در منابع اهل سنت حدیث دیگری هم از علی بن ابیطالب (ع) نقل شده است که فرموده است: اولیای دم زن مقتول می‌توانند نصف دیه قاتل را بدهند و او را قصاص کنند و می‌توانند نصف دیه مرد (یعنی دیه زن) را بگیرند. جصاص صاحب کتاب احکام القرآن می‌گوید: این روایت اخیر که از علی (ع) نقل شده روایت مرسل است زیرا هیچ یک از روایتی که این حدیث را نقل کرده خود از او مستقیماً چیزی نشنیده‌اند.^(۲۱)

از طریق شیعه نیز روایتی نقل شده است که علی (ع) مردی را که مرتکب قتل عمد زنی شده بود قصاص کرد همچنان که زنی را به جرم قتل عمدی مردی قصاص نمود.^(۲۲)

۲- چندین روایت از طریق شیعه عمدتاً از امام صادق (ع) و بعضاً از امام باقر (ع) نقل شده که در صورتی مرد به جرم قتل عمدی زن قصاص می‌شود که نصف دیه او پرداخته شود. در کتاب

وسائل الشیعة حدود ۹ روایت به این مضمون و به طرق مختلف از امام صادق(ع) نقل شده است. دو روایت هم به نحو مردّد از امام صادق(ع) یا امام باقر(ع) و سه روایت هم از امام باقر(ع) با مضمون فوق آمده است. همچنین روایتی دیگر از امام باقر(ع) بدین مضمون نقل شده است: مردی رانزد پیامبر(ص) آوردند که با چوب خیمه، زن حامله ای را به قتل رسانده بود، پیامبر(ص) اولیای دم را منخیر کرد که یا پنج هزار درهم و مقداری هم اضافه به خاطر جنین بگیرند یا پنج هزار درهم به اولیای قاتل پردازند و او را قصاص کنند.^(۲۳) البته برخی از این روایات بانددک تفاوتی در عبارت از یک راوی مثل ابوبصیر یا ابوالعباس از امام صادق(ع) یا امام باقر(ع) نقل شده است یعنی عملاً تعداد واقعی روایات کمتر از آن است که شمرده شده است.

فرجام

در این بررسی کوتاه و نه چندان عمیقی که به عمل آمد، ملاحظه شد که از آیات شریفه قرآن در باب قصاص نمی توان تبعیض و تفاوت بین زن و مرد در مسئله قصاص استنباط کرد، بلکه ظاهر آیه ۴۵ سوره مائده که به طور صریح و مطلق، نفس را در برابر نفس قرار داده تساوی هر دو جنس را در این مسئله می رساند. آیه ۱۷۸ سوره بقره نیز نه منطوقاً و نه مفهوماً تفاوت بین زن و مرد را در امر قصاص نمی رساند، بلکه به شرحی که قبلاً ذکر شد، در مقام محدود کردن قصاص به فرد قاتل، با قطع از نظر جنسیت و حالت بردگی یا آزادی است. همان طور که البته در مورد دیه نیز در قرآن تفاوتی بین زن و مرد گذاشته نشده است. توجیه عقلی و منطقی قابل قبولی نیز برای تفاوت گذاشتن بین زن و مرد در امر قصاص وجود ندارد. روایاتی هم از طرق عامه و شیعه از پیامبر اکرم(ص) و حضرت علی(ع) و سیره عملی آنها نقل شده که هر یک از زن و مرد که مرتکب قتل عمد دیگری بشوند، قصاص می گردند. اکثر قریب به اتفاق فقهای اهل سنت نیز همین نظر را دارند.

از سوی دیگر روایات متعددی از امام باقر و امام صادق(ع) نقل شده که قصاص مرد در برابر

۳- روایتی از امام صادق(ع) نقل شده است که مردی مرتکب قتل زنی شد و علی(ع) حکم به قصاص ننمود بلکه صرفاً دیه را مقرر نمود.^(۲۴)

۴- روایتی هم از امام باقر(ع) نقل شده که در مورد زنی که مرتکب قتل عمد مردی شده بود فرمود: باید به قتل برسد و در عین حال ولی او نصف دیه را به خانواده مقتول پردازد.^(۲۵)

دو روایت اخیر مورد توجه و عمل فقهاء قرار نگرفته است و آنها را به گونه ای تفسیر نموده یا به عنوان روایت شاذّ و غیر قابل عمل، طرد کرده اند، ولی عموماً فقهای شیعه به

زن موكول به پرداخت نصف ديه مرد به قاتل يا اوليای او می‌باشد، اگر اين روايات صحيح و تبعیت از حكم آنها برای همه زمانها تعبدی باشد، ناچار باید تفاوت بين مرد و زن را در امر قصاص پذيرفت. ولی از يكسو با توجه به معنای مستفاد از آیات ۱۷۸ سوره بقره و ۴۵ سوره مائده و مخالف بودن اين روايات با آیات قرآن و عدم اطمینان به صحّت روايات منقوله و قابل بحث بودن قبول تعبدی روايات و امکان تأثیر مقتضيات زمان از سوی ديگر عمل کردن به اين روايات را مشكل می‌نماید. بنابراین عمل به مفاد آیات قرآنی به شرحی که در فوق ذکر شد، قوی به نظر می‌رسد.

پانوشته‌ها

۱. جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۸۲... فيقتل الحر بالحر... وبالحرّة ولكن مع ردّ فاضل ديه النصف بلاخلاف فيه بل الاجماع بقسميه عليه... و نیز ر.ک: سایر کتب معتبر فقهي شيعه. از جمله شيخ طوسی در کتاب خلاف پس از بيان حکم فوق و ذکر اين مطلب که تمام فقها (غير اماميه) گفته‌اند مرد در برابر زن کشته می‌شود و اولياء مقتوله نباید چیزی به قاتل بدهند (و قال جميع الفقهاء انه يقتل بها ولا يرد اولياؤها شيئا) و اين مطلب را از علي (ع) نیز نقل کرده‌اند در مورد مبنای نظر فقهای اماميه می‌گويد: «دليلنا اجماع الفرقة و اخبار هم» (خلاف ج ۵ صفحه ۱۴۵...) سيدمرتضى نیز در کتاب الانتصار، اين حکم را از مختصات اماميه دانسته و می‌گويد باقی فقها مخالف اين حکمند و پرداخت ديه را لازم نمی‌دانند. (و مخالف باقی الفقهاء، في ذلك و لم يوجبوا على من قتل الرجل بالمرأة شيئا من الذية) ایشان هم دليل نظر فقهای شيعه را اجماع و عدم برابری جان زن و مرد می‌داند و می‌گويد: «دليلنا على صحّة ما ذهبنا اليه الاجماع المتردد و لانّ نفس المرأة لا تساوي نفس الرجل بل هي على النصف منها فيجب اذا اخذت النفس الكاملة بالنقصه ان يرد فضل ما بينهما... الانتصار» صفحه

در بين فقهای اماميه معاصر آية الله حاج شيخ يوسف صانعی خرق اجماع نموده و بارّد و طرح رواياتی که ناظر بر لزوم ردّ نصف ديه از جانب اولياء زن برای قصاص مرد قاتل هستند به لحاظ مغايرت آنها با حکم قرآن کریم، معتقد است در صورت قتل عمد، مرد در برابر زن قصاص می‌شود بدون اینکه الزامی بر ردّ نصف ديه وجود داشته باشد، ایشان می‌گويد آيه ۴۵ سوره مائده به صراحت می‌گويد: «جان در برابر جان گرفته می‌شود (و کتبنا عليهم فيهما انّ النفس بالنفس...») به روشنی و بدون هيچ گونه تفسير و تفصيلی بر تساوی در قصاص دلالت دارد و الزام اولياء زن مقتوله بر ردّ نصف ديه برای قصاص مرد قاتل چنان که مفاد روايات فوق الذكر و فتاوی فقهاست مخالف و مغاير

- ۵۳۹.
۲. الفقه على المذاهب الأربعة، عبدالرحمن الجزيري، ج ۵، ص ۲۸۷: «اتفقت كلمة فقهاء المسلمين على انه يجوز قتل الرجل بالمرأة...» معنى ابن قدامة ج ۷ ص ۶۷۹: «ويقتل الذكر بالأنثى بالذكر هذا قول عامة اهل العلم»
۳. پیشین و احكام القرآن، ابوبکر جصاص، ج ۱، ص ۱۳۹.
۴. پیشین و جواهر الكلام، ج ۴۲، ص ۸۳.
۵. تفسير الكشاف زمخشرى، ج اول، ص ۲۳۳: «وهى الحياة الحاصلة بالارتداع عن القتل لوقوع العلم بالاقتصاص من القاتل...» و مجمع البيان فى تفسير القرآن، طبرسى، ج ۱-۲، ص ۴۸۱ و تفسير المنار، محمد رشيد رضا، ج دوم ص ۱۳۲.
۶. نقل از مرحوم استاد محمود شهابى، ادوار فقه، ج ۱، ص ۱۲۵ و مجمع البيان ج ۱-۲، ص ۴۸۱ نقل از سُدَى.
۷. تفسير مجمع البيان طبرسى ج ۱-۲، ص ۴۷۹.
۸. پیشین و كنز العرفان فى فقه القرآن، فاضل مقداد، ص ۳۹۸.
۹. جواهر الكلام، ج ۴۲، ص ۸۴ و وسائل الشريعة، ج ۱۹، ص ۶۳.
۱۰. تفسير الميزان، علامه طباطبائى، ج ۵، ص ۱۶۷.
۱۱. كنز العرفان فى فقه القرآن، ص ۳۹۸ و تفسير الميزان، ج ۱، ص ۴۴۱.
۱۲. آيات ۱۵ و ۱۶ سورة نساء: واللاتى يا تين الفاحشة من نسائكم فاستشهدوا عليهن اربعة منكم فان شهدوا فامسكو هن فى البيوت حتى يتوفيهن الموت او يجعل الله لهن سبيلا. والذنان ياتينها منكم فأذو هما فان تابا واصلحا فاعرضوا عنهما ان الله كان تواباً رحيماً.
- و آيه ۲ سورة نور: الزانية و الزانى فاجلدوا كل واحد منهما مائة جلدة و لا تأخذكم بهارأفة فى دين الله...
۱۳. المبسوط فى فقه الامامية، شيخ طوسى، ج ۷، ص ۵: «كل شخصين تكافأ دماهما و استوت حرمتها، جرى القصاص بينهما، و التكافى فى الدماء و التساوى فى الحرمة ان يحد كل واحد منهما بقذف صاحبه فاذا تكافأ الدمان قتل كل واحد منهما بصاحبه فيقتل الحر بالحر و بالحره اذا رد و افاضل الدية عندنا و عندهم لا يرد...»
۱۴. المعنى، ابن قدامة، ج ۲، ص ۶۷۹: «... و لا نهما شخصان يحد كل واحد منهم بقذف صاحبه فقتل كل واحد منهما بالآخر كالرجلين و لا يجب مع القصاص شيئى، لانه قصاص واجب فلم يجب معه شيئى عل المقتص كسائر القصاص».
۱۵. پیشین، و وسائل الشريعة، ج ۱۹، ص ۶۳.
۱۶. مرحوم علامه طباطبائى نيز در تفسير الميزان جلد ۱ صفحه ۴۴۱ ذيل آيه ۱۷۸ سورة بقره با همين برداشت مى فرمايد: «و نسبتة هذه الاية الى قوله تعالى «النفس بالنفس» نسبتة التفسير، فلا وجه لما ربما يقال: ان هذه الاية ناسخة لتلك الاية فلا يقتل حرّ يعبد و لا رجل بمرأة...».
۱۷. ر.ك: تفسير كشاف زمخشرى، ج ۱، ص ۲۲۱، تفسير المنار، ج ۲، ص ۱۲۶، تفسير مجمع البيان، ج ۱-۲، ص ۴۸۱، تفسير الميزان، ج ۱، ص ۴۴۴، كنز العرفان فى فقه القرآن، ص ۳۹۸، ادوار فقه مرحوم شهابى، ج ۱، ص ۱۲۵ و فقه الثقلين فى شرح تحرير الوسيلة كتاب القصاص از آية الله يوسف صانعى صفحه ۱۷۴.
۱۸. احكام القرآن، جصاص، ج ۱، ص ۱۳۹.
۱۹. پیشین، و الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۵، ص ۲۸۷.
۲۰. پیشین: «عن الحكم عن على و عبدالله قالا: اذا قتل الرجل المرأة فهو بها قود».
۲۱. پیشین.
۲۲. و وسائل الشريعة، ج ۱۹، ص ۶۱: «عن السكونى عن ابى عبدالله(ع) ان امير المؤمنين(ع) قتل رجلا بامرأة قتلها عمداً، و قتل امرأة قتلت رجلا عمداً.»
۲۳. پیشین، ص ۵۹ تا ۶۳.
۲۴. پیشین، صفحه ۶۲: «عن جعفر(ع) ان رجلا قتل امرأة فلم يجعل على(ع) بينهما قصاصاً و الزمه الدية.»
۲۵. پیشین و تهذيب الاحكام شيخ طوسى، ج ۱۰، ص ۱۸۳: «عن ابى جعفر(ع) قال: فى امرأة قتلت رجلا قال: تقتل و يؤدى وليها بقية المال.»
۲۶. بنگريد عين عبارت آية الله صانعى را در اين خصوص: «... لكن الاعتماد على تلك النصوص و الاستدلال بها فى مثل المسألة مع مالها من التمامية سندا و دلالة مشكل، بل ممنوع، فضلا عين غيرها من الوجوه المذكورة و ذلك لما فى هذه الاخبار و النصوص من المخالفة للكتاب و السنة و العقل و القواعد المسلمة من الاسلام...» فقه الثقلين، كتاب القصاص صفحه ۱۶۴.
۲۷. براى ملاحظه كامل استدلال و نظرات آية الله صانعى بنگريد كتاب فقه الثقلين، پیشین صفحات ۱۶۳ تا ۱۷۶.